

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

روسیه امروز  
گرت ایون اونگار  
برگردان و ارسال: مجله هفته  
۳۰ جون ۲۰۲۲

## سخنرانی پوتین در سنت پترزبورگ و آینده روسیه!

پوتین یک سخنرانی مهم در سن پترزبورگ ایراد کرد. او در آن پایان هژمونی غرب را اعلام کرد و همکاری های جهانی را در شرایطی برابر با احترام به حاکمیت ملی و قوانین بین المللی الزام آور دانست.



از ۱۵ تا ۱۸ جون مجمع بین المللی اقتصاد در سن پترزبورگ برگزار شد. از چند جهت قابل توجه بود. از یک سو، انجمن ۲۵ سالگی خود را جشن گرفت. امسال استقبال باز هم از این مجمع بسیار بالا بود. صرف نظر از وضعیت پر از تنش ژئوپلیتیکی، در مجموع ۱۴ هزار نفر شرکت کننده از ۱۳۰ کشور جهان در آن شرکت کردند. قراردادهایی به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار هم امضاء شد.

حضور پوتین در مجمع برای ۱۷ جون اعلام شد. دیمیتری پسکوف، دبیر مطبوعاتی کرملین، پیشاپیش به اهمیت سخنرانی پوتین اشاره کرد.

و در واقع او حق داشت سخنرانی به همه چیز اشاره داشت.

پوتین یک نظم جدید اقتصادی و ژئوپلیتیکی را اعلام کرد که در آن اهمیت غرب در حال افول است.

پوتین از کشورهای غیر غربی دعوت به همکاری کرد. او بدرستی به غیرقابل اعتماد بودن دولت های غربی و خودسری «نظم مبتنی بر قوانین» آنها اشاره می کند.

او گفت غرب از سیاسی کردن ارزها و اقتصادهای خود و استفاده از آنها برای پیشبرد منافع ژئوپلیتیکی نواستعماری ابائی ندارد.

به عنوان مثال، با این اقدامات، با قطع ارتباط روسیه از سیستم سوئیفت و مسدود شدن ذخایر ارزی روسیه عملاً غرب ستون فقرات خود را شکست.

زیرا مشخص شد که هر کشوری که در برابر سلطه غرب مقاومت کند، می تواند مشمول تحریم های خودسرانه ای شود که مستقیماً بر بانک مرکزی و در نتیجه اقتصاد کشور مربوطه تأثیر می گذارد.

با این اقدامات، غرب رژیم تحریم های خود را بیش از حد گسترش داده است. همچنین این تصمیم گیری ها از سوی ملل متحد مشروعیت ندارند و همچنین معیارهایی که بر اساس آن از این نوع تحریم استفاده می شود مشخص نیست. بدیهی است که این نوع خودسری غربی می تواند بر هر ملتی که سیاست مستقلی را دنبال می کند تأثیر بگذارد.

به گفته پوتین، همچنین این واقعیتی است که غرب در اعمال تحریم های خود بشدت احمقانه رفتار کرده است. کشورهای غربی به ویژه کشورهای اتحادیه اروپا در حال حاضر از تحریم هایی که خودشان تصویب کرده اند بسیار شدیدتر و همه جانبه تر از روسیه آسیب می بینند.

این رفتار خودسرانه رژیم های غربی، بر لزوم و اهمیت حاکمیت اقتصادی، سیاسی و تکنولوژیک روسیه با تکیه بر خود اشاره دارد.

رئیس جمهور روسیه همچنین در سخنانش به سایر کشورها توصیه می کند که این اصول حاکمیت ملی را که در برابر تجاوزات غرب اهمیت غیر قابل چشم پوشی دارند، از مد نظر دور ندارند و آنها را بررسی و رعایت کنند. در عین حال، پوتین گفت شاهد آن هستیم که رهبران کشورهای اتحادیه اروپا حاکمیت ملی خود را به ضرر منافع شهروندان خود زیر پا نهاده اند.

اثرات تحریم ها نشان می دهد: غرب اهمیت اقتصادی روسیه را دست کم گرفته و در مورد اهمیت خود بسیار اغراق کرده است.

غرب روی درآمد ملی، تولید ناخالص داخلی، به عنوان شاخص مرکزی برای ارزیابی پتانسیل خود عمل کرد. غرب روی اینها خم شد و با توجه به این ارقام نسبت به روسیه احساس برتری کرد. این توجیهی برای قضاوت نادرست اساسی بود که وزیر خارجه المان نیز به آن سقوط کرد وقتی او مدعی شد که می توان با این تحریم ها روسیه را «ویران کرد». بدیهی است که نوع نگاه آنها باعث گرفتن چنین تصمیم های غلطی بوده است و نه چیز دیگری. طبعاً اگر یک سوئیه فقط به تولید ناخالص داخلی نگاه کنید، اهمیت اقتصاد روسیه برای جهان را دست کم می گیرید. روسیه انرژی، محصولات اولیه و غنی از مواد خام تولید می کند. در حالی که تولید ناخالص داخلی روسیه با تولید ناخالص داخلی اسپانیا قابل مقایسه است، اما یک تفاوت عظیم وجود دارد، محصولات پشت این تولید ناخالص داخلی برای اقتصاد جهانی حیاتی هستند.

مواد خام و منابع انرژی استخراج شده توسط روسیه و همچنین محصولات اولیه روسیه برای اقتصاد جهانی مهمتر از تولید محصولات پیشرفته و بخش مالی است که در هر صورت از نظر اقتصادی حتی مخرب هم هستند.

اقتصاد جهانی، همانطور که این روزها مشخص شده است، بدون روسیه نمی تواند کار کند. از سوی دیگر، بدون المان، بله. روسیه با محصولات خود در ابتدای زنجیره تولید ارزش قرار دارد در حالی که صنعت المان در انتهای آن قرار دارد. غرب اساساً اشتباه محاسباتی کرده است.

واکنش روسیه به بحران اقتصادی ناشی از غرب، سرمایه گذاری گسترده دولت در اقتصاد واقعی خود، برنامه های حمایتی برای مشاغل کوچک و متوسط، برنامه های اجتماعی برای خانواده ها، ترویج ساخت و ساز مسکن از طریق اعطای وام های ارزان است. اگر قرار باشد تنها چند نکته از کاتالوگ جامع اقداماتی که پوتین در سن پترزبورگ ارائه کرد را نام ببریم.

هدف اعلام شده از سوی روسیه مشابه هدف المان است. هدف روسیه جدا کردن اقتصاد خود از وابستگی به غرب است، همانطور که هدف اقتصاد المان و اتحادیه اروپا مستقل شدن از انرژی روسیه در آینده است.

البته سؤال این است که چه کسی شانس موفقیت بیشتر و بالاتر از همه سریعتر دارد. از این نظر اوضاع برای المان و اتحادیه اروپا بد به نظر می رسد.

جریان نفت، گاز و مواد خام را می توان سریعتر و مهمتر از همه با هزینه کمتری نسبت به نوع جدیدی از اقتصادی که خنثی از آلاینده های آب و هوایی باشد، راه اندازی کرد.

پیچیدگی دیگر موضع غرب در مورد همبستگی بین المللی این است که جهان در کنار غرب قرار ندارد. تلاش های غرب برای منزوی کردن روسیه و نابود کردن آن از طریق تحریم ها نامیدکننده است.

تنها یک چهارم کشورهای جهان از تحریم های روسیه حمایت می کنند. در اجلاس سران کشورهای بریکس که اخیراً برگزار شد، همچنین مشخص شد که نه تنها بحث منزوی شدن روسیه مطرح نیست، بلکه به عکس، این غرب است که به طور فزاینده ای منزوی می شود.

اخیراً خواسته های ملموسی از هند برای جایگزینی غرب در موقعیت هژمونیک آن در سطح جهانی مطرح شده است. بدیهی است که این تلاش ها وجود دارد، اما به ندرت منعکس شده است.

غرب باید به درخواست چنین مطالباتی از سوی دیگر کشورها عادت کند، زیرا آنها صدایشان و مطالباتشان هر روز بلندتر و بیشتر می شود: بالاخره باید به سلطه غرب پایان داد.

بازگردیم به سنت پترزبورگ از یک سو، پاسخ روسیه به تحریم های غرب، تقویت همکاری های بین المللی با کشورهای خارج از نیمکره غربی است.

از سوی دیگر، آغاز رونق پایه گذاری اقتصادی دیگر در روسیه همراه با سرمایه گذاری های هنگفت برای تضمین و ارتقای استاندارد داخلی است.

المان و اتحادیه اروپا در دنیای دور از چنین سیاست جامع و دوراندیشانه ای زندگی می کنند که بر منافع مردم خود متمرکز است.

دولت های آنجا خلاف منافع شهروندان خود کار می کنند و صرفاً آنها را از طریق رسانه ها برای محرومیت های گسترده آماده می کنند.

آنها توصیه می کنند کمتر دوش بگیرند و درجه شفاف را کم کنند، اما در غیر این صورت شهروندان را با مشکلات ناشی از رژیم تحریم های غربی به وجود آورده اند تنها می گذارند.

از نظر اقتصادی، غرب عمدتاً به خدمات و بازار مالی بدون محدودیت به رهبری چند گروه مالی بزرگ مانند بلک راک متکی است که اکنون قدرتی دارند که آنها را قادر می سازد تا حاکمیت دولت را تضعیف کنند. پوتین، از سوی دیگر، روشن می کند که سرمایه گذاری در اقتصاد واقعی اولویت دارد. مفهومی کاملاً متضاد. در عین حال، پوتین روسیه را به عنوان بازار فروش به کشورهای همکار پیشنهاد می کند و در نتیجه تلاش می کند تا با مشکلات ناشی از افزایش روز افزون روبل مبارزه کند.

در مجموع، غرب در سه سطح مشغول جنگ نیابتی علیه روسیه است و هر سه هم خوب برای غرب پیش نمی روند. از نظر نظامی در اوکراین، از نظر اقتصادی در سراسر جهان و جنگ اطلاعاتی عمدتاً در اینترنت و رسانه های غربی در جریان است.

غرب از همان ابتداء در جنگ اوکراین از نظر نظامی شکست خورده است.

آنها از نظر اقتصادی در حال از دست دادن برتری است، زیرا اکنون مشخص شده است که عواقب تحریم ها گسترده است و بیشتر از تحریم های شدید بی سابقه روسیه به کشورهای تحریم کننده آسیب می زند. در این میان، غرب نیز روز به روز در حال از دست دادن جایگاه خود در عرصه جنگ اطلاعاتی است.

این تعبیر غربی که پوتین است که به اقتصاد جهانی آسیب می رساند و از گرسنگی به عنوان سلاح استفاده می کند، کارساز نیست و جواب نداده.

حتی شهروندان نیمکره غربی می دانند که این تحریم های غرب است که به اقتصاد داخلی کشورهایشان آسیب می زند. آشکار است که این سیاست خود کرده است که منجر به انفجار قیمت ها و کمبود می شود. اثرات مضر تحریم ها نیز با دلال بازی مالی روی کالاهای اساسی مردم توسط مؤسسات مالی غربی و میلیاردرها تشدید می شود علی رغم آن که رسانه ها بسختی در مورد آن صحبت می شود.

به عنوان مثال اما قیمت فعلی گندم را، تنها می تواند تا حدی با جنگ در اوکراین و محدودیت های صادرات توضیح داده شود.

در واقع، در حال حاضر کمبود در بازار گندم زیاد نیست. اما عدم اطمینان و قطعیت ها بلافاصله دلالان را به صحنه کشاند که فرصتی برای سودهای گزاف در اینجا می بینند.

با این حال، نه المان و نه اتحادیه اروپا علیه این فعالیت ها اقدامی نخواهند داد. ارتباط بین سیاست و صنعت مالی بسیار نزدیک است.

آنها ترجیح می دهند روسیه را تحقیر کنند تا این که به دنبال راه های حل مؤثر باشند. این برایشان راحت تر است. در خارج از دنیای غرب، روایت غربی به سختی مورد توجه قرار می گیرد. زیرا درگیری اوکراین تنها یکی از بسیاری از درگیری ها در جهان است.

در حال حاضر درگیری های نظامی متعددی در سراسر جهان وجود دارد.

ترکیه، کشور عضو ناتو، مانند روسیه، در تلاش است تا یک کریپور امنیتی در سوریه ایجاد کند که نیروهای کرد از آن عقب رانده شوند. ترکیه در حال حاضر بخشی از سوریه را به خود الحاق می کند. تحریم ها علیه ترکیه در اینجا مورد بررسی قرار نمی گیرند و غرب نیز به فکر ارسال تسلیحات همه جانبه به کردها نیست. آنچه ترکیه در سوریه انجام می دهد توسط غرب قابل تحمل است، اگرچه مشابه عملیات روسیه در اوکراین است.

تنها تفاوت این است که ساکنان دونباس و شهرهای آزاد شده تا حد زیادی از عملیات روسیه استقبال می کنند، در حالی که کردها از مداخله ترکیه استقبال نمی کنند.

این مثال همچنین روشن می کند که غرب تا چه اندازه از استانداردهای دوگانه استفاده می کند و بنابراین این روش به عنوان یک قطب نما واقعاً شکست خورده است.

نتیجه سخنرانی پوتین این است: جهان در حال سازماندهی مجدد خود است. جهانی شدن تمام نشده است، اما در آینده با دور زدن سلطه غرب صورت خواهد گرفت. در مجموع چیزی کمتر از اعلام پایان جهانی شدن تحت سلطه غرب نیست. غرب با هژمونی تهاجمی و سیاست های سلطه جویانه خود، در های همکاری و همکاری جهانی را به روی خود بسته است.